

نابود باد تروریسم در جهان

در جریان هفته جاری، بازهم گزارش‌های مربوط به ترور و انفجار و خونریزی در قلب شهر کابل به نشر رسید. منتها این بار، تروریست‌های صادر شده از خارج، هستی برهان الدین ربانی امیر جمعیت اسلامی افغانستان و رییس " شورای عالی صلح" را نشانه گرفتند. هستی کسی را مورد حمله خونین قرار دادند که از مدتها به اینسو میخواست و تلاش داشت، پروسه تماس و مذاکره و صلح طلبی میان دولت افغانستان به رهبری حامد کرزی و گروه انتحاری طالبان را به پیش برد.

هر چند پیرامون سلسله بلا انقطاع ترور های سیاسی در افغانستان، اهداف، دلایل و منابع اصلی آن بارها مطالبی گفته و نگاشته شده است، مگر بازهم، یکبار دیگر بدینوسیله بعرض رسانیده میشود که حادثه ترور آقای ربانی نسبت به سایر ترور های اخیر، ابهام بیشتری درخود نهفته دارد:

اول: اینکه آقای ربانی کسی بود که نه تنها از نظر فکری و عقیدتی، هیچگاه با گروه طالبان اختلافی نداشت، بلکه در همان اوایل ظهور گروه مذکور در سال 1995م، از آن‌ها با گرمی استقبال نمود، آنها را " فرشته های صلح" خواند، برای والی و قوماندان عسکری ولایت های قندهار و غزنی دستور داد تا با کلیه رتق و فتق رسمی به طالبان تسلیم شوند، در ماه رمضان برای این لشکر مسلح جنونزده و ایلجار، پول و غذا و لباس از کابل به وردک و لوگر فرستاد، چندین بار پیشنهاد مذاکره و مفاهمه رسمی را با " برادران" تازه وارد بعمل آورد. آقای ربانی همچنان، وقتی چند سال قبل رهسپار ترکیه شد، در آنجا، با اظهار این مطلب که " اگر طالبان بکابل بیایند، ما با آنها جنگ نمیکنیم"، در حقیقت پیام حسن نیت خودش را عنوانی طالبان و حامیان پاکستانی شان ابراز نمود و بالاخره، تلاش کرد خودش در رأس " شورای عالی صلح" قرار داشته باشد تا " برادران طالب" را از راه تماسگیری ها، پیام فرستادن ها، نصیحت ها و مسافرت های متعدد راضی ساخته بدون اندکترین تفکری پیرامون انسان کشیهای چند ساله آنان، شامل ترکیب حاکمیت سیاسی افغانستان سازد. حال، وقتی علی رغم آنهمه جانفشانی های " استادانه" و " برادرانه" و تپیدن های دلسوزانه، بازهم گروه طالبان اقدام به قتل آقای ربانی میکنند، تعجب را بر می انگیزاند.

دوم: اگر عامل اصلی و واقعی ترور سیاسی برهان الدین ربانی، بازهم گروه طالبان باشند، آنان یکبار دیگر ثابت ساختند که جز یک گروه متحجر، برگشت ناپذیر، سوگند خورده و تمامیت خواه، چیز دیگری نخواهند بود و در مورد کشتار سایر ملاحا، مولوی ها، رهبران تنظیم های اسلامی و جهادی افغانستان و عناصر مهم امنیتی و غیر امنیتی افغانستان، کوچکترین ملاحظه بی ندارند و نخواهند داشت.

سوم: با فهم مطالب بالا و با در نظر داشت تجارب چندین ساله، کرنش ها، زاری ها و تقاضا های مکرر آقای حامد کرزی مبنی بر ارضای این گروه نابکار برای پیوستن به روند مذاکره

و آشتی، هرگز تأثیری نخواهد داشت و بدون تردید، هستی شخص وی نیز مورد هدف تروریستی گروه متذکره قرار خواهد گرفت.

رخ دیگر این سکه را هم باید دید و به بررسی گرفت و آن اینکه مبدا سر رشته اینهمه ترور های دقیق، پیچیده و سازمان یافته در کف کسان دیگری در عقب پرده ی تیاتر افغانستان و منطقه باشد. به این معنا که دست های رمز آلود پشت پرده، به هیچصورت نمیخواهند و راضی نیستند تا سلسله جنگ ها و نا امنی ها و سایه هولناک ترس و دلهره تروریستی از خاک خون گرفته افغانستان برچیده شود. چنانکه تحلیلگران دقیق سنج سیاسی، این رخ سکه را بیشتر مورد توجه قرار میدهند و میگویند چون برنامه های بزرگتر و خطرناکتر دیگری پیرامون آینده افغانستان و کشور های منطقه توسط ابر قدرت ها مدنظر است که این برنامه ها به هیچصورت جامه عمل نخواهند پوشید، مگر در کوره داغ آشفته گی های ناشی از جنگ و ترور و انفجار و انتحار و خشم و جنون. پس اگر موضوع از اینقرار باشد که گفته شد، به ساده گی میتوان انتظار حملات انتحاری، ترور های بیشتر سیاسی و استمرار بحران در افغانستان را داشت.

نکته باریک و احتمالی دیگر که باید در همین راستا گفته شود، اینست که چون در ارگان های حساس دفاعی و امنیتی یکعده از جهادی های مربوط به " شورای نظار" و " جمعیت اسلامی" توظیف گردیده اند که در اصل، با سیاست های برخی از کشور ها، بخصوص با سیاست های مقامات پاکستانی روی ملحوظات خاص سیاسی، مخالفت می ورزند و جانب مقابل نیز روی برخی ملاحظات با آنها دشمنی می ورزد، پس جا دارد چنین ارزیابی شود که دست های مرموز پشت پرده در منطقه و افغانستان، برای آنکه عناصر مورد نظر را در اذهان عامه، منسوبین بلند پایه دولتی و جوانب ذیدخل در امور افغانستان، نا لایق، بی توجه و بی صلاحیت جلوه داده باشند و یا آنها را مجبور به برکناری و یا استعفا نمایند، سلسله ترور ها و نا امنی ها، بخصوص در شهر کابل را ادامه میدهند. علت یا علل این ترور ها هر چه باشد، وجود آشفته گی های سیاسی، اجتماعی و امنیتی در افغانستان که از چندین سال به اینسو متأسفانه صورت گرفته و تلفات جانی و مالی هنگفتی را در قبال داشته و دارد، امر کاملاً دردناک و جریان کم نظیر و تأسف باری است که جام صبر و حوصله مردم عزیز ما را لبریز ساخته است. اینکه این بلا ی خون آشام در هر قدم و هر حادثه، هستی انسان و آنهم انسان افغانستان را ساقط میکند، برای ما قابل اندیشه و نگرانی جدی است. برای ما افغانها تفاوتی ندارد که شخص ترور شده در چه سن و سالی قرار دارد؟ به کدام قوم و طایفه مربوط است؟ طرز تفکر سیاسی اش چه میباشد؟ و یا در چه موقف و مقامی قرار دارد؟ بلکه آنچه برای ما ارزش دارد اینست که تروریست ها همیشه از قلمرو بیگانه گان بدخل کشور ما فرستاده میشوند، حادثات خونین و ویرانگر را در خاک ما می آفرینند، خون هموطنان ما را به زمین می ریزانند، وحشت و دهشت اجتماعی و اقتصادی در میان مردم ما ایجاد میکنند، نظم و آرامش جامعه ما را برهم میزند و بالاخره، کشور ما را از قافله پیشرفت زمان دور نگه میدارند.

پس، فرزندان میهن دوست و صلحخواه افغانستان در هر کجایی از جهان که قرار دارند، اعمال جنایتکارانه تروریستی و غیر انسانی را جداً مردود میدانند و آنها را فریاد بلند تقبیح میکنند و پایان آنها می طلبند.

به امید آنکه دست اجنبی مغرض، تروریستان وحشی صفت و قاتلان انسان و انسانیت از سر
زمین آبی ما هرچه زودتر کوتاه گردد. (پایان)